

طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس

■ محمد تقی طغرابی*

■ سید سعید میرواحدی**

■ سمیه هاشمی***

چکیده:

امروزه تقریباً در تمام کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در همه پایه‌های تحصیلی، آموزش و ترویج کارآفرینی جایگاه ویژه‌ای دارد، به طوری که نوآوری در ابعاد گوناگون نظام آموزشی زمینه‌ساز تربیت و پرورش نسلی خلاق و چندبعدی است. هدف اصلی پژوهش حاضر «طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس» است. به منظور دستیابی به این منظور، روش پژوهش از نظر هدف کاربردی با استفاده از نظریه برخاسته از داده‌ها است. جامعه آماری، شامل مسئولان و متخصصان حوزه آموزش و پرورش، متخصصان حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و همچنین صاحب‌نظران حوزه آموزش کارآفرینی است که با بهره‌گیری از الگوی نمونه‌گیری نظری و با انجام ۳۰ مصاحبه عمیق، یافته‌های پژوهش به اشباع نظری رسید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، «آموزش مبتنی بر خلق ارزش» مقوله محوری آموزش کارآفرینانه است که متأثر از عوامل سبب‌ساز نگرش کارآفرینانه معلم، مسئولان و تصمیم‌گیران در حوزه آموزش مدرسه و والدین است. مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای، جو کارآفرینانه، طراحی محیط بازی‌گونه، طراحی فضاهای جذاب در مدرسه به همراه شرایط محیطی لازم همچون هوشیاری کارآفرینانه، برنامه‌ریزی آموزشی و آگاهی کارآفرینانه است. این عوامل به اجرا و اتخاذ راهبردها و اقدامات لازم، برای آموزش همراه با انجام یادگیری کارآفرینانه، تکالیف کارآفرینانه، تیم‌های کارآفرینانه، شوق کارآفرینانه، تعامل مدرسه با دنیای واقعی، ارزشیابی انعطاف‌پذیر و چندجانبه و تأکید بر شناخت و فراشناخت کمک می‌کند. در نهایت «خلق ارزش جدید، تربیت دانش‌آموز خلاق، نوآور و چندبعدی و دانش‌آموز توانمند-بامهارت» پیامدها و برون‌داد اصلی آموزش کارآفرینانه در مدارس است که طی آن دانش‌آموزان با قرار گرفتن در مسیر آموزش صحیح تحصیلی و شغلی، به خلق ارزش برای خود و جامعه می‌پردازند.

کلید واژه‌ها:

آموزش کارآفرینی، آموزش کارآفرینانه، مدرسه، خلق ارزش، نظریه برخاسته از داده‌ها

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۲۹

□ تاریخ شروع بررسی: ۹۷/۱۲/۱

□ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۴/۱۹

* استادیار گروه موزه و گردشگری دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول)..... m.toghrayee@au.ac.ir

** استادیار گروه کارآفرینی دانشگاه علامه طباطبائی..... mirvahedi@atu.ac.ir

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کارآفرینی فرهنگی دانشگاه هنر اصفهان..... somayeh.hashemi00@gmail.com

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم سمیه هاشمی با عنوان «طراحی مدل بومی مدرسه کارآفرین» است.

مقدمه

کارآفرینی موتور محرکه توسعه اقتصادی کشورهاست و کارآفرینان موفق، قهرمانان ملی و سازندگان دنیایی‌های جدید خوانده می‌شوند (لوکا و کازن، ۲۰۱۱). اهمیت کارآفرینی به حدی است که نقش حمایتی دانشگاه‌ها از آموزش کارآفرینی را دلیل توسعه کشورهای هم‌چون آمریکا، آلمان و ژاپن تلقی می‌کنند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۱۶). به عقیده ریزا و ورام^۳ (۲۰۱۱) تعداد نشریات علمی مربوط به حوزه آموزش و پرورش کارآفرینی در سال ۲۰۱۰ نسبت به سال ۲۰۰۰ بیش از ۳۰۰ درصد افزایش داشته است.

یکی از زیربناهای اصلی در توسعه کارآفرینی، توجه خاص به تقویت نظام آموزشی است. امروزه تقریباً در تمام کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در همه پایه‌های تحصیلی آموزش و ترویج کارآفرینی جایگاه ویژه‌ای دارد. آموزش کارآفرینانه در ایران که اجرایی و عملی‌ترین راهبرد برون‌رفت از بن‌بست‌ها و مشکلات اقتصادی و اجتماعی کشور است، از یک‌طرف به الگوگیری از برنامه‌ها، خط‌مشی‌ها و تجربیات کشورهای پیشرفته، و از طرف دیگر در نظر گرفتن شرایط بومی کشور نیاز دارد. یکی از لازمه‌های آموزش کارآفرینانه در مدارس، اهمیت دادن به قوه ابتکار و خلاقیت دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی است. چراکه بیشتر محیط‌های آموزشی، بر محتوا-محور یا در برخی موارد آموزشگر-محور هستند. در این خصوص «دیوید مک کلند»^۴ بیان می‌کند که عامل عقب‌ماندگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه مربوط به درک نکردن و بی‌توجهی به خلاقیت‌ها و مهارت‌های منحصر به فرد هر شخص است (لاکوس^۵، ۲۰۱۳). بنابراین یکی از مهم‌ترین راهبردهای یاددهی و یادگیری آموزش کارآفرینانه، نظام آموزش رسمی است؛ چراکه در کنار ابعاد نظری، ابعاد عملی شالوده آموزش عمل‌گرا است.

وانگ و ونگ^۶ (۲۰۰۴) ادعان دارند که آموزش کارآفرینی به مثابه یکی از عوامل تعیین‌کننده در کمک به افراد برای فهم و درک و برانگیختن نظریه کارآفرینانه است. بنابراین از متون آموزش کارآفرینی در شکل‌دهی آموزش کارآفرینانه می‌توان استفاده کرد (اکیدن و ژاسا^۷، ۲۰۰۶). آموزش کارآفرینانه از ماهیتی نظام‌مند برخوردار است و در پی دگرگون‌سازی کلیت نظام آموزشی اعم از آموزشگران، فراگیرندگان، هدف‌ها، محتوا، شیوه و ارزیابی تدریس، سازمان‌دهی فناوری و تلفیق کارآفرینی در تاروپود نظام آموزشی است. این اقدام می‌تواند در برخورداری نظام آموزش و پرورش از قابلیت‌ها و ملزومات موردنیاز در راستای کارکردهای متفاوت اعم از آموزشی، پژوهشی، مدیریتی، خدمات اجتماعی و غیره با جنس و ماهیت کارآفرینانه کمک‌کننده باشد (لاکوس، لاندویست و ویلیامز میدلتون^۸، ۲۰۱۳).

یکی از دلایل بیکاری دانش‌آموختگان، عدم کسب مهارت و یادگیری است که با نوع آموزش و نظام آموزشی ارتباط مستقیم دارد. کشورهای پیشرفته، از جمله آمریکا، ژاپن، آلمان و فنلاند آموزش

کارآفرینی را محور اساسی برنامه‌های آموزشی خود به‌ویژه در پایه‌های ابتدایی (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۱۶) خود قرار داده‌اند و با این کار عملاً به دانش‌آموختگان خود می‌آموزند که چگونه در حین یادگیری علم، کار کنند. به عبارت دیگر به آن‌ها می‌آموزند که چگونه یک ایده یا یک فکر تازه را به محصولی جدید تبدیل کنند. مدرسه با مجموعه عوامل، ساختار، مواد درسی و برنامه‌ریزی آموزشی نهادی است که دانش‌آموزان بیش از یک‌سوم عمر و توان خود را از ۶ تا ۱۸ سالگی آنجا می‌گذرانند؛ بنابراین نقش بسیار ارزنده و اثربخشی را در جهت‌دهی به مسیر تحصیلی - شغلی آنان ایفا می‌کند. در این راستا مهم‌ترین ویژگی مدرسه، محتوای آموزشی، ترویج کارآفرینی، تناسب محتوای آموزشی با توانایی‌ها و علاقه دانش‌آموزان، ایجاد تفکر و مهارت کار تیمی، ایجاد انگیزه و علاقه برای انجام کار تحقیق و پژوهش و استفاده از روش‌های نوین تدریس به جای روش‌های سنتی است. آنچه توجه خاصی به آموزش نظام‌مند و صحیح کارآفرینانه را ضرورت می‌بخشد، توجه به آمار و ارقام دیده‌بان جهانی کارآفرینی^۹ در تبدیل آموزش به کارآفرینی است که ایران بین کشورهای حوزه خاورمیانه رتبه هشتم را دارد. این در حالی است که میانگین تبدیل آموزش به کارآفرینی در میان زنان دارای تحصیلات زیر متوسطه در ایران، رتبه یکی مانده به آخر و قبل از فلسطین است. با توجه به تحلیل این آمار، کشور ایران بین ۶۰ کشور عضو رتبه ۳۲ را از لحاظ تبدیل آموزش به کارآفرینی دارد و در مقایسه با میانگین، تبدیل آموزش قبل از متوسطه به کارآفرینی ایران نسبت به میانگین جهانی در رتبه پایین‌تری است (دیده‌بان جهانی کارآفرینی، ۲۰۱۴).

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس است. با توجه به نبود الگوی جامع آموزش کارآفرینانه، شناخت چیستی و چگونگی عناصر، اجزا و مقوله‌های آموزش کارآفرینانه است و در نظر دارد به سؤال اصلی زیر پاسخ دهد:

○ الگوی آموزش کارآفرینانه برای مدرسه چگونه است؟ و از چه عناصری تشکیل شده است؟

■ مبانی نظری و ادبیات پژوهش

● آموزش کارآفرینی

آموزش کارآفرینی ترکیبی از یادگیری تجربی، آشنایی با ساختار مهارت و مهم‌تر از همه، تغییر نگرش را فراهم می‌کند (بگر^{۱۰}، ۲۰۱۱). هنگامی که کارآفرینی وارد آموزش می‌شود، در طول زمان نظام آموزشی نیز به تغییر نیاز پیدا می‌کند. در آموزش کارآفرینی، دانش‌آموزان می‌توانند بسیار با انگیزه شوند و برای دیگران مبتنی بر دانشی که به دست می‌آورند، ارزش خلق (ایجاد) کنند (طغرای، میرواحدی، هاشمی و محمدی، ۱۳۹۷). این موضوع می‌تواند به آموزش صحیح منجر شود و به صورت کاربردی، ارتباط عناصر دانش مورد بحث را نشان بدهد (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۱۶).
دو اصطلاح رایج در آموزش مباحث کارآفرینی عبارت‌اند از: «آموزش مهارت تجارت و

کسب‌وکار» و «آموزش کارآفرینی». از آموزش مدیریت و تجارت عمدتاً در نظام آموزش و پرورش انگلستان (اروپا) استفاده می‌شود و بیشتر بر پیشرفت شخصی، ذهنیت‌ها، مهارت‌ها، توانایی‌ها و مباحث مالی متمرکز است. در حالی که آموزش کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش آمریکا به صورت تمرکز بیشتر در زمینه راه‌اندازی یک شرکت و یا خوداشتغالی تعریف شده است (لاکوس، ۲۰۱۵). در سوئد و بالکان اصطلاح «یادگیری کارآفرینی» غالباً معادل «آموزش مهارت تجارت» به کار برده می‌شود (هدر، لوییک و نولا^{۱۱}، ۲۰۱۱؛ فلر و فاک لاندویست^{۱۲}، ۲۰۱۳). در فنلاند از عبارات «آموزش کارآفرینی داخلی و آموزش کارآفرینی خارجی» استفاده می‌شود (سیکولالینو، راسکوارا، اکیواکو، مسیلا و رایسکولا^{۱۳}، ۲۰۱۰). آموزش کارآفرینی داخلی مترادف آموزش مهارت تجارت و آموزش کارآفرینی خارجی مترادف آموزش کارآفرینی است که دو دیدگاه کاملاً متفاوت از کارآفرینی را نشان می‌دهد. یکی را «گسترده» و دیگری را «محدود» نام‌گذاری کرده‌اند. در تعریف محدود از آموزش کارآفرینی، کارآفرینی متضمن شناسایی فرصت، توسعه کسب‌وکار، خوداشتغالی و در نهایت تبدیل شدن به یک کارآفرین است (فیول و گیلی^{۱۴}، ۲۰۰۸؛ لاکوس، ۲۰۱۷). طبق تعریف گسترده، کارآفرینی مشتمل بر توسعه فردی، خلاقیت، اعتماد نفس، ابتکار داشتن، عملگرایی و مجموعه‌ای متنوع از شایستگی‌ها و مهارت‌های عملی و کاربردی است (سافین و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۶). اینکه از کدام تعریف و رویکرد استفاده می‌شود، عمیقاً تحت تأثیر اهداف آموزشی، مخاطبان هدف، محتوای دوره آموزشی، روش‌های تدریس و روش‌های ارزیابی دانش‌آموزان است و به ایجاد تنوع گسترده‌ای از رویکردها می‌انجامد.

هوگ و گیلبرت^{۱۶} (۲۰۱۷) در پژوهش خود با محوریت «آموزش از طریق تفکر طراحی» نشان دادند که تجربه دانش‌آموز و نتایج یادگیری از طریق آموزش طراحی در محیط‌های باز و سازنده که در آن طنز به عنوان یخ‌شکن اجتماعی، و نقش بازی به عنوان ابزار یادگیری تجربی مطرح هستند، اثرات قابل ملاحظه‌ای به همراه دارد. یک نتیجه مهم این طرح ارائه روند کاهش موانع در محیط یادگیری دانش‌آموزان برای راحتی در یادگیری خود و پاسخ‌گویی است به علاوه، طراحی یک سفر آموزشی هدفمند یادگیری مشترک بین دانش‌آموزان و معلمان است. این مطالعه موردی نشان می‌دهد چگونه تفکر طراحی می‌تواند رضایت دانش‌آموزان را از شیوه یادگیری از طریق یکپارچه‌سازی پنج عامل کلیدی مانند مفاهیم ساخت‌گرایی، عدالت و انصاف، طنز و ایفای نقش در برنامه‌های درسی بالا ببرد. یورهنسن و شانکی^{۱۷} (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند که آموزش کارآفرینی در مدرسه‌های متوسطه، با استفاده از تمایز بین سه روش آموزشی شامل: آموزش در مورد کارآفرینی، آموزش برای کارآفرینی و آموزش از طریق کارآفرینی انجام می‌شود. همچنین یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که حدود ۹۰ درصد مدرسه‌های متوسطه نروژ، آموزش کارآفرینی را متناسب با مناطق جغرافیایی همراه با انجام پروژه‌های محلی ارائه می‌دهند. الرت، اندرسون و ون برگ^{۱۸} (۲۰۱۵) دریافتند که در سوئد اثرات طولانی مدت آموزش کارآفرینی در دبیرستان در عملکردهای کارآفرینانه دانش‌آموزان در دوران پس‌ادبیرستان همچنان

وجود دارد. بینکس، استاکی و ماون^{۱۹} (۲۰۰۶) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش کارآفرینی پارادایمی جدید و نوآورانه برای آموزش در مدرسه ارائه می‌دهد. در مجموع، پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند که مقایسه میان روش‌های آموزش سنتی و آموزش کارآفرینانه به صورت کامل و جامع انجام نشده است و فقط به تدریس آموزش کارآفرینی به عنوان یک رویکردی جدید در مدرسه اشاره شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و با توجه به روش گردآوری اطلاعات پژوهش کیفی از نوع نظریه‌برخاسته از داده‌ها است که هدف آن، دستیابی به توصیفی از تجارب، نگرش‌ها و ادراک شرکت‌کنندگان برای شناسایی ابعاد آموزش کارآفرینانه در مدارس است. بنابراین می‌توان بیان کرد با استفاده از روش تحقیق کیفی و الگوی استقرایی و انجام مصاحبه‌های عمیق، مفهوم (اجزا)، عناصر و مقوله‌های الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس شناسایی می‌شوند. جامعه آماری پژوهش شامل مسئولان و متخصصان حوزه آموزش و پرورش، متخصصان حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و همچنین صاحب‌نظران حوزه آموزش کارآفرینی است. جهت استخراج الگوی نهایی پژوهش از روش نظام‌مند اشتراوس و کوربین^{۲۰} (۱۹۹۸) استفاده شده است، زیرا این روش ساختاریافته است و به الگویی قابل آزمون می‌انجامد. در پژوهش حاضر در راستای موضوع مورد مطالعه و با توجه به اهداف تعیین‌شده، نمونه‌هایی انتخاب شده که متناسب با شاخص‌ها و ملاک‌هایی از جمله تجربه در حوزه آموزش و پرورش، تحصیلات مرتبط، نگرش کارآفرینانه و سابقه فعالیت در حوزه آموزش کارآفرینی است. بنابراین انتخاب نمونه بر مبنای الگوی نمونه‌گیری نظری می‌باشد (شارمز^{۲۱}، ۲۰۰۶) که امکان کشف گوناگونی‌ها را به حداکثر برساند و مقوله‌ها را از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد، غنی سازد. در نهایت فرآیند نمونه‌گیری با انجام ۳۰ مصاحبه به اشیاع نظری رسید. در این پژوهش مصاحبه هر فرد به طور متوسط ۲/۵ ساعت به طول انجامید و روند اشیاع داده‌ها از مصاحبه بیستم آغاز شد. فرآیند مقوله‌سازی و کدگذاری تا جایی ادامه یافت که داده‌ها به بهترین شکل تبیین شود. همچنین در فرآیند پژوهش تلاش شد نوعی نظریه عمومی و انتزاعی در مورد فرآیند کنش یا تعامل بین افراد بر اساس دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش مطرح شود. این فرآیند شامل استفاده از مراحل گردآوری و پالایش داده‌ها و در نظر گرفتن رابطه متقابل بین طبقه‌بندی مقوله‌ها است. در نهایت، فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها مطابق نمودار ۱، در سه مرحله کدگذاری باز (مطالعه پدیده از طریق جزئی کردن اطلاعات و شکل‌بندی مقوله‌ها)، کدگذاری محوری (انتخاب یک مقوله کدگذاری باز که بر اساس تحلیل داده‌ها بیشترین ارتباط را با سایر مقوله‌ها داشته باشد) و کدگذاری انتخابی (تدوین مدل درباره رابطه مقوله‌های به‌دست‌آمده در الگوی کدگذاری محوری) انجام گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و بحث

در جدول ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه‌های تحقیق نشان داده شده است. طبق داده‌های توصیفی، ۶۰ درصد نمونه را مردان و ۴۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین ۴۰ درصد مشارکت‌کنندگان دارای مدرک تحصیلی دکتری هستند که سابقه تدریس و آموزش در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها را دارند.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به داده‌های جمعیت‌شناختی

شاخص‌های آماری	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
جنسیت	مرد	۱۸	۶۰
	زن	۱۲	۱۰۰
تحصیلات	زیردیپلم - دیپلم	۳	۱۰
	کاردانی	۳	۲۰
	کارشناسی	۳	۳۰
	کارشناسی ارشد	۹	۶۰
	دکتری	۱۲	۱۰۰
رتبه علمی	دانش‌آموز کارآفرین	۳	۱۰
	معلم و مربی	۸	۳۶/۶۷
	مدیر	۳	۴۶/۶۷
	کارشناس و مشاور آموزش	۱	۵۰
	رئیس گروه تحقیق و پژوهش اداره کل	۱	۵۳/۳۳
	استادیار	۱۰	۸۶/۶۶
	دانشیار	۲	۹۳/۳۳
	کارآفرین (حوزه آموزش و پرورش)	۲	۱۰۰

طراحی الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس

۱۶/۶۷	۱۶/۶۷	۵	زیر ۵ سال	سابقه فعالیت
۶۶/۶۷	۵۰	۱۵	۵ تا ۱۰ سال	
۱۰۰	۳۳/۳۳	۱۰	بالای ۱۰ سال	

در نمودار ۱، فرایند دسته‌بندی و پالایش داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی نمایش داده شده‌اند.



نمودار ۱. فرایند دسته‌بندی و انتقال داده‌ها در سه مرحله کدگذاری

● **مقوله محوری: آموزش مبتنی بر خلق ارزش**

مقوله محوری (اصلی) مقوله‌ای است که همواره در داده‌ها ظاهر می‌شود و دیگر مقوله‌ها به آن مرتبط می‌شوند. مقوله اصلی الگوی آموزش کارآفرینانه، آموزش مبتنی بر خلق ارزش

است؛ به طوری که شرکت‌کنندگان در فرایند انجام مصاحبه‌ها شرط اصلی و الزامی برای انجام و پیاده شدن آموزش کارآفرینانه را آموزش مبتنی بر خلق ارزش بیان کردند. تعریف‌های مختلف کارآفرینی و تغییرات حاصل در رویکردهای آموزشی نصیحت کردن به معلمان را در مورد اینکه چگونه به آموزش کارآفرینانه نزدیک شوند، دشوار کرده است. برویات و جولین^{۲۲} (۲۰۰۱) معتقدند که بررسی کارآفرین (یا تیم) به تنهایی، ذاتاً اشتباه است؛ همان‌طور که صرفاً از کارآفرین، کارآفرینی حاصل نمی‌شود. کارآفرینی بیشتر در مورد تغییر و یادگیری است. کارآفرین با محیطی که موجب تغییرش می‌شود تعامل دارد و از طریق اقداماتش خلق ارزش می‌کند. **آموزش و خلق ارزش** به‌عنوان دو جنبه اصلی کارآفرینی دیده می‌شوند. این دیدگاه نسبت به بسیاری از تعریف‌های دیگر کارآفرینی، بیشتر با الگوی یادگیری هدفمند مدرسه مطابقت دارد. چراکه اساس تعریف حاصل از آموزش کارآفرینانه متکی بر خلق ارزش جدید به‌عنوان یک هدف اصلی برای دانش‌آموزان است. به‌علاوه به آن‌ها امکان ایجاد ارزش برای ذی‌نفعان خارج از مدرسه را می‌دهد و به توسعه شایستگی‌های کارآفرینی، بدون در نظر گرفتن اینکه آیا ارزش ایجادشده موفق بوده است یا نه منجر می‌شود (لاکوس، ۲۰۱۵). بر طبق رویکرد آموزش مبتنی بر خلق ارزش اگر مداخله آموزشی به دانش‌آموز امکان یادگیری خلق ارزش جدید برای دیگران را بدهد (گروه خودش و معلمان را شامل نشود)، قطعاً آموزش کارآفرینانه است. این امر از طریق ایجاد ارزش واقعی برای افراد دیگر به‌عنوان بخشی رسمی از برنامه درسی یا با یادگیری در مورد اینکه چگونه برای دیگران ارزش ایجاد کنند می‌تواند صورت بگیرد. بر این اساس آموزش کارآفرینانه عبارت است از: «طراحی محتوا، روش‌ها و فعالیت‌های حمایت از خلق دانش، شایستگی‌ها و تجربه‌هایی که ممکن است امکان شروع و شرکت در فرایند خلق ارزش کارآفرینانه را به وجود آورد» (مورگ، استنبرگ و ویستیگارد^{۲۳}، ۲۰۱۲). این تعریف آموزش کارآفرینانه به تعریف شین و ونکاترامن^{۲۴} (۲۰۰۱) از کارآفرینی متکی است: «کارآفرینی زمانی صورت می‌گیرد که شما بر اساس فرصت‌ها و ایده‌ها عمل کنید و آن‌ها را به ارزش برای دیگران تبدیل کنید. ارزش ایجادشده می‌تواند مالی، فرهنگی و اجتماعی باشد».

مفهوم خلق ارزش کارآفرینی در این تعریف ضمنی و تلویحی است. یعنی ارزش ایجادشده باید جدید باشد، اما همچنین به‌نوعی ابتکار عمل از طرف خالق ارزش نیاز دارد که مستلزم کسب منابع موردنیاز برای ایجاد ارزش است. این فرایند باید توسط پیشروان آن یعنی دانش‌آموزان مدیریت شود و اینکه این مبتکر مسئولیت ریسک شکست کارش را نیز به عهده گیرد و درصدد شناسایی دلایل شکست و رفع آن باشد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اذعان کرد که «خلق ارزش بیشتر در بطن جامعه و زندگی واقعی رخ می‌دهد و بسیار به شادی مردم ربط دارد. زیرا کمک به دیگران نه تنها به ساخت زندگی، بلکه به احساس معنادار، مشارکت و تعامل و

رضایت از زندگی نیز منجر می‌شود».

مهم‌ترین عناصر آموزش مبتنی بر خلق ارزش عبارت‌اند از:

الف. خلاق محور بودن روش تدریس: مقوله‌ای که می‌تواند به پرورش تفکر خلاق و خلاقیت در دانش‌آموزان بیانجامد، خلاق محوری بودن روش تدریس است. روش تدریس باید در دانش‌آموزان انگیزه، احساس، شوق حضور و یادگیری در کلاس را ایجاد کند. طبق نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان: «دانش‌آموزان باید مطالب و مفاهیم را از طریق روش‌های تدریس خلاق و جدید مانند قصه‌گویی، نمایش خلاق، انجام کارهای هنری، بازدید از مکان‌های گوناگون، گردش و تفکر در طبیعت و... که متناسب با محتوای درسی و دوره تحصیلی آنان است، یاد بگیرند».

روش‌های تدریس سنتی در مدرسه که عموماً بر تدریس یکطرفه معلم استوار است، دیگر پاسخ‌گوی نیاز دانش‌آموزان نیست. کلاس درس باید از حالت یکنواختی و منفعل بودن دانش‌آموزان خارج شود. دانش‌آموزان در تدریس درس‌ها به روش‌های خلاق و جدید و پیاده‌سازی آموزش کارآفرینانه باید نقش فعال و مشارکتی داشته باشند. تدریس و یادگیری در کلاس باید رابطه دوطرفه میان معلم و دانش‌آموزان باشد و دانش‌آموزان را در مسیر پرورش خلاقیت هدایت کند. بنابراین تفویض اختیار در روش تدریس باید مدنظر قرار گیرد. روش‌های تدریس خلاقانه باید به ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان منجر شوند. به عبارت دیگر، انگیزه محور باشند که از آن جمله‌اند: روش‌های تدریس مبتنی بر بازی، قصه‌گویی، نمایش خلاق، کارهای هنری (سفال، کاردستی و...)، روش تدریس کارگاهی، روش تدریس مبتنی بر کار تیمی و مشارکت فعالانه، استفاده از فناوری روز در تدریس، توجه به روش‌های تدریس خارج از کلاس متناسب با محتوای آموزشی مانند روش تدریس مبتنی بر تفکر و مشاهده در طبیعت، یادگیری در محیط واقعی، اردوها و بازدیدهای هدفمند دانش‌آموزان از مراکز صنعتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... دعوت از ارزش‌آفرینان (کارآفرینان) و متخصصان حوزه خلاقیت و ایده‌پردازی به مدرسه. همچنین یکی از پیش‌زمینه‌های روش تدریس خلاق، ایجاد محیطی مشوق و برانگیزاننده است که به تقویت و هدایت دانش‌آموزان به تفکر خلاق (درگیر کردن احساس و عاطفه در آموزش) منجر شود. از دیگر عوامل مؤثر در روش تدریس خلاق عبارت‌اند از: ارزشیابی انعطاف‌پذیر و چندجانبه از دانش‌آموزان؛ مشارکت فعالانه آنان در کلاس به روش‌های گوناگون، مانند پرسش و پاسخ با مثال‌های واقعی و کاربردی، تحلیل کردن، بحث و گفت‌وگو، مناظره، استفاده از مطالعات موردی و سخنرانی در تدریس، و بازگو کردن شرح حال کارآفرینان بومی موفق در کلاس؛ تلفیق شیوه آموزش به صورت نظری- عملی؛ استفاده از الگوهای عملی و اجرایی برای حل مسائل در کلاس، مصاحبه با یک کارآفرین و ایده‌پرداز و ارائه گزارش آن در کلاس. به نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان «باید از افراد موفق

و کارآفرین به صورت پاره‌وقت برای معلمی استفاده کنیم، زیرا علاوه بر اینکه دغدغه پول و حقوق کم را ندارد، می‌تواند تجربیات خود را در اختیار بچه‌ها قرار دهد. از طرف دیگر، چون به طور عملی کار کرده است، لذت‌ها و سختی‌های کارآفرینی را به خوبی برای بچه‌ها بیان می‌کند. مواجه شدن بچه‌ها با نمونه واقعی در روحیه و رفتار آن‌ها تأثیرگذار است.»

ب. رویکرد خلاقانه و نوآورانه، در کتاب‌های درسی (محتوای کارآفرینانه): محتوای آموزشی خلاقانه و نوآورانه یعنی تأکید بر کاربردی بودن، مفید بودن و یادگیری تجربی و واقعی مطالب مبتنی بر الگوی دانش، مهارت و نگرش تا دانش‌آموزان بتوانند از مطالب آموزشی به صورت خلاقانه و نوآورانه در جهت شناسایی مشکلات و رفع نیازهای خود و دیگران استفاده کنند. بر طبق نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان: «تمرکز محتوای آموزشی باید بر این باشد که دانش‌آموزان متناسب با بازار کار، و جامعه روز خودشان تربیت شوند. در نظام آموزشی فعلی نه تنها نیازهای الان نادیده گرفته می‌شوند؛ بلکه آموزش برای نیازهای آینده این بچه‌ها را نداریم. مهارت‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموختگان مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها باید بر نیازهای حال و آینده منطبق شوند.»

در این خصوص لازم است محتوای کتاب‌ها با ترکیب مطالب تئوری کمتر و جنبه عملی و کاربردی بیشتر که به پرورش و تقویت قوه خلاقانه و نوآورانه دانش‌آموزان بیانجامد، تدوین شوند. همچنین محتوای آموزشی باید مطابق با نیاز روز جامعه باشد و بتواند نیاز آنان را در جامعه پاسخ دهد. برای مثال، چند تن از مصاحبه‌شوندگان معتقدند: «ریاضی باید به گونه‌ای باشد که بچه‌ها را با مسائل و مشکلات جامعه درگیر سازد و مهارت حل مسئله را یاد دهد. نه یک ریاضی انتزاعی در خلأ باشد که هیچ ربطی به زندگی ندارد.»

محور محتوای کتاب‌ها باید یادگیری عملی، و دوری از حفظیات و رویکرد کارآفرینی باشد؛ زیرا محور کارآفرینی، محور خلاقیت است. محتوای کتاب‌ها باید دانش‌آموزان را به تفکر خلاق، نگاه متفاوت، اندیشیدن غیرمعمول (جست‌وجوی راه‌حل‌های مختلف برای حل مسئله به جای این تفکر که تنها یک راه‌حل وجود دارد)، تحقیق و بررسی پیرامون موضوع‌های متفاوت، قرار گرفتن در محیط‌های واقعی، تمرین کردن روش‌های تقویت تفکر خلاق، دیدن و بررسی مسائل از زاویه‌های مختلف، و در نهایت فعالیت عملی وادارد. به‌طورکلی محتوای آموزشی باید دانش‌آموزان را به سمت خلق ارزش در هر رشته تحصیلی و شغلی هدایت کند.

بر طبق پژوهش‌های انجام‌گرفته، در نظام‌های آموزشی برای تدوین محتوای اثربخش در کتاب‌های آموزشی باید در کنار «رویکرد وظیفه‌مدار»، از «رویکرد رفتارمدار» نیز بهره گرفت. زیرا رویکرد وظیفه‌مدار تنها بر توانایی‌های ویژه کسب‌وکار، مانند بازاریابی، امور مالی و غیره تمرکز دارد درحالی‌که توجهی به مهارت‌های حل مسئله، تفکر انتقادی و طراحی و پرورش خلاقیت و نوآوری ندارد (درنوسک، کادون و مونیکس^{۲۵}، ۲۰۰۹). مطالعات نشان داده‌اند که محتوای اثربخش مشتمل

بر دانش، مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینانه بر افزایش فعالیت‌های کارآفرینانه افراد اثر مستقیم و مثبت دارد و باعث توسعه اقتصادی و بهبود کمی و کیفی فعالیت‌های کارآفرینانه در آینده خواهد شد (فاک لاندویست، هالبرگ، لفلر و اسبدر^۶، ۲۰۱۱).

● شرایط علی

شرایط علی رویدادهایی هستند که موقعیت‌ها، مباحث و مسائل مرتبط با پدیده را خلق می‌کنند. به عبارت دیگر منظور از شرایط علی، رویدادها یا اتفاقاتی هستند که بر پدیده اثر می‌گذارند و به بروز آن منجر می‌شوند. شرایط علی در قالب سه مقوله نگرش کارآفرینانه معلم، نگرش کارآفرینانه تصمیم‌گیرندگان و مسئولان مدرسه و نگرش کارآفرینانه والدین نام‌گذاری شده‌اند.

الف. نگرش کارآفرینانه معلم، والدین، مسئولان و تصمیم‌گیرندگان مدرسه: از مقوله‌های اصلی و سبب‌ساز الگوی آموزش کارآفرینانه، نگرش کارآفرینانه معلمان، مسئولان و تصمیم‌گیرندگان مدرسه است. معلمان به‌طورکلی از جمله تأثیرگذارترین افراد در پرورش و رشد خلاقیت دانش‌آموزان در مدرسه هستند. نقش معلم در کلاس درس و در شکل دادن به محیط یادگیری ارتباط نزدیکی با نظریه‌های دانش و یادگیری دارد که به‌نوبه خود با ادراک حرفه‌ای و نگرش او در ارتباط است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه اذعان کرد: «معلمان گروه مرجع دانش‌آموزان هستند. دانش‌آموزان از آن‌ها الگو می‌گیرند و حرف معلم را می‌پذیرند. اگر معلمان فعالیت‌های کارآفرینانه و خلاقانه داشته باشند خیلی روی دانش‌آموزان تأثیرگذار است. چون آنان نقشه‌های فکری آدم‌ها را می‌سازند. اگر معلم در کلاس بگوید درس بخوانید تا در جای خوبی استخدام شوید، این یعنی معلم روحیه کارآفرینی ندارد. درحالی‌که اگر معلم بگوید: برای خودت شرکت بزنی تا آینده خوبی داشته باشی و... روی نگرش بچه‌ها تأثیر می‌گذارد».

اگر معلم نگرش کارآفرینانه داشته باشد، می‌تواند منعکس‌کننده باورها و ارزش‌های کارآفرینانه و درنهایت نگرش کارآفرینانه به دانش‌آموزان باشد که این موضوع می‌تواند به بروز رفتار کارآفرینانه در دانش‌آموزان بیانجامد. همچنین نگرش کارآفرینانه معلم باعث می‌شود که دانش‌آموزان به تفکر خلاق تشویق شوند. نگرش کارآفرینانه معلم به ایجاد تیم‌ها و شبکه‌سازی پویایی متشکل از معلمان از مدرسه‌های متفاوت (راه‌اندازی مراکز و پژوهشکده‌های علمی)، ارتباط و تعامل نزدیک معلمان با یکدیگر، استفاده اثربخش از شبکه‌های ارتباطی (بیرونی) معلمان، تشویق معلمان به برقراری ارتباط اثربخش با صنعت و جامعه، و حمایت از ایده‌های معلمان نیاز دارد. علاوه بر این، به‌منظور پیشگیری از ایجاد دوگانگی رفتاری در دانش‌آموزان، به‌خصوص در پایه‌های ابتدایی، لازم است که ارتباط نزدیک و اثربخشی میان والدین و مسئولان مدرسه برقرار شود تا ضمن هم‌افزایی، الگوی یکپارچه یادگیری و آموزش در مدرسه، خانواده و

جامعه برقرار شود. البته لازم است رسانه نیز نقش خود را در این زمینه به خوبی ایفا کند. معلم نباید فقط انتقال‌دهنده دانش باشد بلکه دانش‌آموزان باید مشارکت فعالانه‌ای در ارائه مطالب داشته باشند. لازم است معلم نقش مربی و راهنما را داشته باشد و به همراه والدین و مسئولان آموزشی، دانش‌آموزان را به نگاه و تفکر جدید، روش‌های آموزشی جدید، جست‌وجوی و یافتن فرصت‌ها و ارائه ایده‌های جدید تشویق کند.

● شرایط زمینه‌ای یا مداخله‌گر

شرایط زمینه‌ای شرایطی است که راهبردها و اقدامات را به شکل هم‌بافتی تحت تأثیر قرار می‌دهند. بر این اساس با افراد مشارکت‌کننده در فرایند مصاحبه به صورت ضمنی سؤال‌هایی مطرح کردیم. شرایط زمینه‌ای در قالب سه مقوله شناسایی شدند.

الف. جو کارآفرینانه: جو کارآفرینانه یعنی محیطی که مشوق و محرک دانش‌آموزان به انجام کارهایی از این دست باشد: بیان افکار و نظرات به صورت آزادانه؛ ارائه افکار خلاق؛ ایده دادن؛ نقد و بررسی کردن ایده‌ها؛ آموزش و یادگیری از طریق ارائه مطالب؛ بحث و گفت‌وگو به صورت تیمی و با معلم و مسئولان؛ تبادل میان فردی اطلاعات در حوزه‌های مختلف؛ مشارکت، همکاری، همدلی در انجام کار تیمی. مسئولان مدرسه و معلمان هم باید به کار درست آنان اهمیت دهند. همچنین جو کارآفرینانه یعنی استقبال و حمایت از ایده‌های خلاقانه و انتقادی دانش‌آموزان و معلمان در مدرسه، تعامل نزدیک بین دانش‌آموزان با معلمان و مسئولان مدرسه و حرکت مدرسه به سمت یک سازمان یادگیرنده؛ به طوری که دانش‌آموزان، معلمان و مسئولان مدرسه در فرایند مستمر و پویای یادگیری قرار گیرند.

ب. طراحی محیط بازی‌گونه: «در آموزش و پرورش بسیاری از کشورها، بچه‌ها صرفاً درس تئوری نمی‌خوانند، بلکه از دوره‌های پایین تا بالا روزهای را به کار در کارگاه به صورت عملی و کار در مدرسه اختصاص می‌دهند. نظام آموزشی باید حالت بازی محور باشد. کارهای عملی زیاد مثل گردش، شرکت در اردوهای هدفمند، بازی و ... داشته باشد. بچه‌ها از حداقل ساعت ۸ تا ساعت ۱۳ سر کلاس می‌نشینند، بدون تحرک چندانی و مدام می‌نویسند، به این ترتیب خسته می‌شوند و از مدرسه گریزان می‌شوند.»

بر طبق نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان، یکی از مقوله‌های قابل توجه شرایط زمینه‌ای که نقش بسزایی در آموزش کارآفرینانه دارد، طراحی محیط بازی‌گونه است. محیط یادگیری مفرح باید علاوه بر خارج ساختن دانش‌آموزان از خمودگی و کسالت، با تحرک و پویایی دانش‌آموزان همراه باشد و به آنان اجازه دهد آزادانه فکر کنند، به آزمون و خطا دست بزنند، و در قالب بازی تجربه کنند زیرا آموزش توأم با لذت می‌تواند زمینه‌ساز خلاقیت و ایده‌پردازی شود. در چنین

محیطی اختیاراتی به دانش‌آموزان واگذار می‌شود که بتوانند به روش‌های مختلف به تولید و طراحی دانش، یادگیری مطالب در قالب بازی‌های تیمی، مسابقه، نمایش و غیره بپردازند. یکی از روش‌های یادگیری و ایجاد لذت از آموزش، بازی است. یعنی دانش‌آموزان مطالب، تکالیف و فعالیت‌ها را در قالب بازی در محیط کلاس، مدرسه، آزمایشگاه و کارگاه، بدون چارچوب رسمی و با فضای باز یاد بگیرند. ساختار رسمی و بدون انعطاف، اجازه تحرک و پویایی، متفاوت بودن، متفاوت فکر کردن و متفاوت عمل کردن را نمی‌دهد و نمی‌تواند دانش‌آموز خلاق پرورش دهد.

ج. طراحی فضاهای جذاب آموزشی: «از کلاس‌های درس با مقداری خلاقیت می‌توان به‌گونه‌ای متفاوت با سازمان‌دهی مجدد میزها و صندلی‌ها در شیوه‌ای انعطاف‌پذیر و خودبه‌خود بر اساس نیازهای تکالیف استفاده کرد. مدرسه‌ای در فنلاند، بسیار هدفمند به تنظیم مجدد کلاس درس، با خرید نیمکت‌ها و جداول‌های دور برای ترویج کار تیمی، جدول مثلی که می‌تواند به راحتی به شکل دایره درآید و جداول‌های دارای ارتفاع انعطاف‌پذیر پرداخته است.»

در آموزش کارآفرینانه محیط آموزشی باید جذاب از محیط‌های آموزشی فعلی (خشک، غیرمنطقی، یکنواخت و فاقد احساس و عاطفه) و متفاوت طراحی شود. به عبارت دیگر با طراحی فضاهای جذاب در مدرسه، اعم از برپایی مسابقه‌های ایده‌پردازی، ایده‌یابی، کاربردی کردن ایده، جشنواره قهرمانان دانش‌آموز (در سطح مدرسه، منطقه، استان و کشور)، نمایش، بازی تیمی، جشن و در نهایت رویدادهای کارآفرینی می‌توان در دانش‌آموزان نشاط، تحرک، پویایی، شوق، اشتیاق، و احساس و عاطفه ایجاد کرد و آنان را به مشارکت فعال، همکاری، همدلی، انجام کار تیمی، پرورش تفکر خلاق و ایده‌پردازی واداشت؛ زیرا آنان با انجام دادن و تجربه کردن در محیط‌های واقعی به شناسایی و پرورش استعدادها، مهارت‌ها و پرورش خلاقیت دست می‌یابند. همچنین ساختار کلاس‌های درس در مدرسه و خارج از مدرسه (قرار گرفتن در مکان‌های متناسب با مطالب آموزشی که شامل آموزش همراه با تفریح و بازدیدهای هدفمند است) باید جذاب و به‌گونه‌ای خلاقانه طراحی شود تا دانش‌آموزان در محیط واقعی آموزش ببینند و تجربه کسب کنند و خلق ارزش‌های جدید در عمل اتفاق بیفتد. بر طبق نظر چند تن از صاحب‌شوندگان: «در مدرسه باید رویدادهای کارآفرینی مانند برپایی بازارچه‌های کارآفرینی، بازی‌ها و مسابقات خلاقیت، ایده‌پردازی و... برگزار شوند تا علاوه بر ایجاد نشاط در مدرسه، دانش‌آموزان بتوانند در محیط‌های شبیه‌سازی‌شده به تجربه‌های عملی دست یابند.»

● شرایط محیطی

شرایط محیطی تسهیل‌کننده یا محدودکننده راهبردها و اقدامات هستند. این شرایط، اجرای راهبردها را تسهیل و تسریع می‌کنند یا به‌عنوان یک مانع در اجرای آن‌ها خلل ایجاد می‌کنند و

به صورت نامنظم و غیرمستقیم بر راهبردها اثر می‌گذارند. شرایط محیطی، شرایط علی را تغییر یا تخفیف می‌دهد. عوامل محیطی در قالب سه مقوله «هوشیاری کارآفرینانه»، «برنامه‌ریزی آموزشی مبتنی بر کارآفرینی» و «آگاهی کارآفرینانه» به شرح زیر شناسایی شدند:

الف. هوشیاری کارآفرینانه و برنامه‌ریزی آموزشی: شرایط محیطی تأثیرگذار بر راهبردها، هوشیاری کارآفرینانه مسئولان، مدیران، معلمان و دانش‌آموزان است. هوشیاری کارآفرینانه یعنی تربیت افرادی که بتوانند فرصت‌ها و تغییرات را آگاهانه احساس کنند و نسبت به جمع‌آوری، تبدیل و انتخاب اطلاعاتی که می‌توانند به یک فرصت جدید و نوآورانه منتهی به یک اقدام، روش، محصول یا خدمت نوآورانه منجر شود، اقدام کنند. به عبارت دیگر با تدوین سیاست‌هایی در تولید و طراحی کتاب‌ها و تدوین قوانین و مقررات به تربیت دانش‌آموزانی بپردازند که قادر به جمع‌آوری اطلاعات و تجربه‌ها از طریق تمرین و عمل در مدرسه و خارج از آن باشند.

ب. آگاهی کارآفرینانه مسئولان و دست‌اندرکاران حوزه آموزش و پرورش: این مقوله نیز نقش بسیاری در حرکت به سوی الگوی آموزش کارآفرینانه دارد و لازم است برنامه‌ریزی‌های آموزشی با محوریت کارآفرینی طراحی و اجرا شود. طبق نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان: «در کشور ما هر وقت یک مشکل سیاسی، امنیتی یا اقتصادی پیش می‌آید، بلافاصله انواع شوراهای کارگروه‌ها و همایش‌ها تشکیل می‌شوند که چطور با این مسئله برخورد شود. راهکارهایی برای برطرف کردن مشکل طراحی می‌کنند. ولی هیچ‌وقت فکر نکرده‌ایم مسئله آموزش و پرورش مسئله‌ای است که در بلندمدت با حیات ملی و حتی امنیت ملی در بلندمدت در ارتباط است. بنابراین لازم است از طریق نهادهای مرکزی ذی‌ربط آموزش و پرورش مثل وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و فناوری، و... باید کمیته‌هایی متشکل از خبرگان و متخصصان برنامه‌ریزی درسی تشکیل شوند و به‌طور مستمر به اصلاح و بازبینی درس‌ها بپردازند».

● راهبردها و اقدامات

راهبردها و اقدامات، طرح‌ها و کنش‌هایی هستند که به اجرایی شدن آموزش کارآفرینانه در مدارس کمک می‌کنند. راهبردها و اقدامات در قالب هشت مقوله به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

الف. آموزش به همراه انجام: یکی از راهبردهای عملیاتی پیاده‌سازی الگوی آموزش کارآفرینانه، «روش آموزش به همراه اجرا»^{۲۷} (عمل) است. آموزش (یادگیری) به همراه انجام مستلزم قرار دادن دانش‌آموزان در تیم‌های میان‌رشته‌ای است. همچنین تعامل اثربخش با افراد خارج از مدرسه راهی برای توسعه شایستگی‌های کارآفرینی در میان دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان مطالب آموزشی را باید به صورت عملی انجام دهند و محتواهای آموزشی را در عمل تجربه کنند. آموزش به همراه انجام یعنی آموزش با یاد دادن و یادگیری مهارت‌ها از طریق

انجام دادن و تجربه کردن؛ تأکید بر تجربه کردن مطالب به صورت عملی توسط دانش‌آموزان و در نهایت اینکه دانش‌آموزان آنچه را که یاد می‌گیرند، به صورت واقعی در محیط مدرسه و خارج از آن تجربه کنند.

دانش‌آموزان باید آگاه شوند که کاربرد مطالب آموخته شده در زندگی آنان چیست، چه نیاز یا مسئله‌ای از زندگی خود و دیگران را می‌توانند حل کنند، و آموزش مبتنی بر یادگیری از اشتباهات به طوری که اشتباهات، آنان زمینه‌ساز دست یافتن به راه‌حل صحیح و در نتیجه موفقیت آنان باشد چگونه است. تقویت محیط یادگیری فیزیکی به گونه‌ای که مدرسه به کارگاهی عملی و آزمایشگاهی برای انجام کار عملی مجهز شود، بسیار ضروری است. دانش‌آموزان نباید به صورت محدود و فقط در ساعات خاصی در برنامه ماهانه یا سالانه به انجام کار عملی در کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها مبادرت ورزند.

برگزاری دوره‌های کارورزی مهارت‌محور، با توجه به اینکه این دوره‌ها خارج از چارچوب رسمی نشستن و گوش دادن است، برای دانش‌آموزان بسیار لذت‌بخش است. دوره‌های کارورزی علاوه بر افزایش مهارت‌هایی مانند برقراری ارتباط با دیگران، امکان تجربه کردن در فضای واقعی را به دانش‌آموزان می‌دهد. این دوره‌ها باعث هماهنگی ذهن با حرکات بدن، و ایجاد تنوع و لذت از آموزش، و تحرک و پویایی، و افزایش انگیزه و نشاط، در دانش‌آموزان می‌شود و در نهایت به پرورش تفکر خلاق در آنان می‌انجامد. رویکرد آموزش به همراه انجام، در طی فرایندی که در حال شکل‌گیری و تکامل است، عادت‌های یادگیری را از طریق اجزای آموزش صحیح ممکن می‌کند. این فرایند ابتکار، مسئولیت‌پذیری و کار تیمی را نیز ارتقا می‌دهد. کار تیمی ذاتاً به تعامل متکی است و باید به گونه‌ای هدفمند خروجی آن برای دیگران، هم جدید و هم با ارزش باشد. در اصل یادگیری به همراه انجام را می‌توان فرایندی عاطفی و انگیزشی در نظر گرفت که در آن سطح انگیزه به این موارد بستگی دارد:

۱. چه اقداماتی صورت گرفته‌اند؟

۲. چه آموزشی رخ داده است؟

۳. چه ارزشی به وجود آمده است.

پژوهش‌های روان‌شناسانه نیز توضیح می‌دهند که چرا و چگونه رویکرد یادگیری با ایجاد ارزش، انگیزه را افزایش می‌دهد. پژوهش‌های مذکور نشان داده‌اند که انگیزه دانش‌آموز و لذت بردن از طریق انجام اقداماتی که هم قابل کنترل و هم با ارزش هستند، افزایش می‌یابد و مشارکت در فعالیت‌های هدف‌محور، با ارزش و چالشی می‌تواند به ایجاد احساسات قوی، اعتماد به نفس، شادی و انگیزه در آنان بینجامد (کاتور و سندرسون^{۲۸}، ۲۰۰۳).

ب. تکالیف کارآفرینانه: تکالیف کارآفرینانه ابتدا باید برای دانش‌آموزان خلق ارزش کند و سپس برای دیگران ارزش به وجود آورد. به عبارت دیگر، تکالیف باید پروژه محور، چالشی و مسئله محور، کاربردی و تقاضا محور باشد. یعنی دانش‌آموزان می‌باید پروژه‌هایی در مدت زمانی مشخص در ارتباط با مراکز صنعتی، پژوهشی، بازرگانی، خدماتی، فرهنگی و غیره انجام دهند. به علاوه، تکالیف باید مسئله محور باشند؛ یعنی بتوانند دانش‌آموزان را به شناسایی و حل مسائل در جامعه واقعی ترغیب کند. همچنین تجربه محور باشد، یعنی دانش‌آموزان را به تجربه عملی وادارند. تکالیف کاربردی نیز یعنی بتوانند راهکارهای عملیاتی و نوآورانه‌ای برای پاسخ‌گویی به نیازها و حل مشکلات جامعه طراحی و ارائه کنند. تکالیف باید خلاق محور باشند به این معنی که دانش‌آموزان را از طریق تفکر انتقادی و خلاقانه به پژوهش و اکتشاف پدیده‌های جدید متناسب با حوزه علائق و استعدادشان تشویق کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان با تخصص کارآفرینی در این زمینه معتقد است: «تکالیف باید کاربردی و متناسب با نیاز دانش‌آموزان، فرصت‌ها و ظرفیت‌های مدرسه، منطقه و محیط پیرامون آنان تهیه شوند. به طوری که علاوه بر یادگیری کاربرد آن‌ها در زندگی، بتوانند ایده‌ها و راه‌حل‌های خلاقانه‌ای برای حل مسائل و مشکلات ارائه دهند.»

ج. تیم‌های کارآفرینانه: تیم‌های کارآفرینانه یعنی عده‌ای که در قالب تیم‌ها و شبکه‌های کارآفرین با هدفی مشترک برای کاری مشترک در جهت ایجاد ارزش تلاش می‌کوشند. به عبارت دیگر، نیاز است که اتاق بحث و گفت‌وگو میان دانش‌آموزان و نیز دانش‌آموزان با معلمان برای تبادل اطلاعات در جهت انجام بهتر کارها و فعالیت‌ها در مورد موضوع‌های گوناگون مدرسه و جامعه در مدرسه‌ها تشکیل شود. «دانش‌آموزان باید برای حل مسائل پیرامون در محیط‌هایی مانند مدرسه، طبیعت، آزمایشگاه، کتابخانه و غیره تیم‌هایی پویا و خلاق تشکیل دهند و ایده‌های خلاقانه ارائه دهند.»

چ. شوق کارآفرینانه: فضای کلاس و مدرسه باید به گونه‌ای باشد که در دانش‌آموزان و معلمان تحرک، انگیزه و نشاط ایجاد کند. به عبارت دیگر، این فضا محیطی باشد که بتواند انگیزه و شوق لازم برای ایده دادن، بروز خلاقیت، مشارکت فعال، نشاط جسمی و روحی، پویایی و تحرک در دانش‌آموزان به وجود آورد. مسابقه‌های «از ایده تا عمل» با همکاری معلم، مسئولان مدرسه و آموزش و پرورش طراحی شوند، به ارزش مالی و معنوی ایده‌های دانش‌آموزان اهمیت داده شود و زنجیره حمایت از دانش‌آموزان ایده‌پرداز، خلاق و کارآفرین به وجود آید.

ح. یادگیری کارآفرینانه: یادگیری کارآفرینانه یعنی معلم و دانش‌آموز به صورت مشترک در تولید علم مشارکت داشته باشند. یادگیری کارآفرینانه شامل جلسه‌های انعطاف‌پذیر، یادگیری از

اشتباهات، یادگیری مشارکتی معلم و دانش‌آموز، یادگیری تعاملی، یادگیری تحقیقاتی، کارآموزی شناختی، یادگیری معنادار، یادگیری خدماتی و یادگیری معتبر است.

یکی از عوامل زمینه‌ساز یادگیری کارآفرینانه توجه به محیط فیزیکی و ذهنی یادگیری است. محیط یادگیری ذهنی به معنی این موارد است: احساس و تجربه کارآفرینی در محیط یادگیری؛ یادگیری از طریق انگیزه درونی و خود انگیزشی دانش‌آموزان؛ مهیا کردن شرایط تفکر خلاقانه؛ ایجاد لذت آموزش از طریق تشویق نقاط قوت؛ ایجاد احساس مفید بودن و تشویق به نگاه متفاوت به حل مسائل در دانش‌آموزان. محیط یادگیری فیزیکی نیز به این معنا تعریف شده است: یادگیری در محیط‌های غیررسمی و منعطف؛ فضاهای مناسب برای انجام کار تیمی؛ آزمایشگاه و کارگاه عملی، ساختار و چیدمان مناسب کلاس‌ها؛ تناسب رنگ کلاس‌ها با محتوای آموزشی و ساختار خلاقانه مراکز رشد و کارآفرینی. «یادگیری باید از طریق مشاهده، انجام دادن، تجربه کردن، تفکر کردن و... در محیط‌های آموزشی، خدماتی، هنری و... صورت گیرد. همچنین معلم باید با دانش‌آموزان در یاد دادن و یاد گرفتن مطالب مشارکت داشته باشد و فرایند یادگیری توأم با یکدیگر انجام گیرند».

خ. تعامل با دنیای واقعی: یکی از عناصر اصلی آموزش کارآفرینانه تعامل دانش‌آموزان با دنیای واقعی خارج از مدرسه است. به منظور پیاده‌سازی اثربخش الگوی آموزش کارآفرینانه لازم است مدرسه با محیط اطراف و جامعه در ارتباط باشد. تعامل با دنیای واقعی یعنی تعامل و همکاری مدرسه‌ها با یکدیگر، تعامل با مدرسه‌های کشورهای دیگر با استفاده از برنامه‌های آموزش از راه دور، بازدید معلمان از مدرسه‌های گوناگون، تعامل معلمان با سایر هم‌صنفی‌ها، تعامل دوجانبه بین مدرسه‌ها با شرکت‌ها و کارخانه‌ها، تعامل مدرسه با صنعت از طریق بازدیدها و انجام پروژه‌های مربوط و در نهایت، تعامل با جامعه از طریق بحث و گفت‌وگو پیرامون مسائل روز جامعه و حل مشکلات آن.

شاخص اصلی آموزش، رشد توانایی‌های نوآورانه و کارآفرینانه دانش‌آموزان است که به جامعه و اقتصاد بازار متکی است. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان: «شهرک‌های صنعتی، علمی و تحقیقاتی، بنیاد علمی نخبگان، اتاق اصناف و بازرگانی و... باید با مدرسه‌ها در تعامل متقابل باشند و از دانش‌آموزان صاحب فکر حمایت کنند. همچنین آموزش و پرورش با سایر دستگاه‌ها در تعامل باشند تا آن‌ها از آموزش و پرورش حمایت جدی (نه تبلیغاتی) داشته باشند و بستر تهیه امکانات فراهم شود، به این ترتیب هم دانش‌آموزان ما به ازای خارجی آموزش‌های خود را در مدرسه در محیط‌های واقعی لمس و درک می‌کنند، هم بسیاری از مشکلات سازمان‌های مربوطه توسط دانش‌آموزان خلاق برطرف می‌شود. از همه مهم‌تر دیگر به بودجه کلان نیازی نخواهد بود».

د. ارزشیابی انعطاف‌پذیر و چندجانبه: ارزشیابی باید در جهت ایجاد انگیزه به دانش‌آموزان و نه گرفتن خطا از آنان انجام شود. ارزشیابی چندجانبه و انعطاف‌پذیر باید متناسب با دانش‌آموزان، محتواهای آموزشی، شرایط محیط پیرامون انجام شود تا دانش‌آموزان را به یادگیری بیشتر همراه با ایجاد انگیزه هدایت کند. ارزشیابی انعطاف‌پذیر و چندجانبه باید در طول فرایند آموزش به روش‌های متفاوت انجام گیرد و صرفاً به ارزشیابی پایان سال ختم نشود.

همان‌گونه که چند تن از مصاحبه‌شوندگان بیان کرده‌اند: «شیوه ارزشیابی می‌تواند از طریق مشاهدات مستقیمی که معلم روی کار فراگیرنده دارد، و در فرایند کار انجام شود و فقط به پایان کار ختم نشود. ارزیابی باید در امتداد آموزش باشد نه مانع فرد. مثلاً نگوئیم ما می‌خواهیم تو را بیندازیم که ادامه ندهی یا بدهی. فرایند آموزش باید به وسیله ارزشیابی تکمیل شود و ارزشیابی نباید پایان کار باشد». همچنین: «شیوه ارزشیابی در حین فرایند کار باعث می‌شود که فراگیرنده مرتب کار خود را ارزیابی کند. چون به دنبال آن است که کارش در فرآیند کار به بهترین نحو باشد. پس خودش ناظر خود است، خودش ارزیاب است و با توجه به بازخوردهایی که از معلم خود می‌گیرد، سعی می‌کند که هر مرحله را طوری انجام دهد که مراحل بعد بهتر انجام شوند».

در این زمینه لازم است جوی در مدرسه ایجاد شود که بدون ترس و تمسخر دیگران و با هدف شناسایی استعدادهای خود، به ارزشیابی خود پردازد. در این صورت توانایی‌ها و ضعف‌های خود را شناسایی می‌کنند و در جهت حفظ و تقویت توانایی‌ها می‌کوشند. لازم است ارزشیابی بر اساس میزان تلاش و کوشش، ارائه راه‌حل‌های خلاقانه و نوآورانه، مسئولیت‌پذیری، مشارکت در کلاس و فعالیت‌های مدرسه، انجام کار عملی، روش‌های تدریس خلاقانه، ارائه محصول یا خدمات خلاقانه در جهت رفع مشکل یا نیاز خود، خانواده، مدرسه و جامعه صورت گیرد. همچنین ارزشیابی از دانش‌آموزان باید به صورت معرفی تیم‌های برتر انجام شود.

ذ. آموزش مبتنی بر شناخت و فراشناخت: آموزش مبتنی بر شناخت یعنی دانش‌آموز باید یاد بگیرد و آموزش مبتنی بر فراشناخت یعنی دانش‌آموز باید بفهمد که به چه صورت یاد می‌گیرد. یادگیری مطالب و مفاهیم در دانش‌آموزان متفاوت است. معلم نباید به همه دانش‌آموزان به یک روش آموزش دهد. روش‌های فراشناخت دانش‌آموزان نیز با هم متفاوت است (بعضی از دانش‌آموزان مطالب را با تمرکز، برخی با حفظ کردن، عده‌ای با انجام دادن و برخی نیز مطالب را به صورت شهودی یاد می‌گیرند). بر این اساس وقتی معلم الگوی فراشناخت دانش‌آموزان را شناسایی کند، متناسب با آن می‌تواند روش تدریس خود را نیز طراحی کند.

پیامدها و نتایج

پیامدها و نتایج شامل عوامل مشهود و نامشهودی است که بعد از اجرایی شدن آموزش کارآفرینانه، برای دانش‌آموزان، مدرسه‌ها، خانواده‌ها و جامعه ایجاد می‌شوند. در فرایند کدگذاری، سه مقوله به‌عنوان پیامدها و برون‌داد آموزش کارآفرینانه به شرح زیر شناسایی شده‌اند:

الف. تربیت دانش‌آموزان خلاق، نوآور و چندبعدی: دانش‌آموزان بازیگران اصلی در آموزش کارآفرینانه هستند. دانش‌آموزان باید در محیط‌های واقعی یادگیری قرار گیرند و با موضوع‌هایی نظیر چگونگی پرورش تفکر انتقادی (اجازه سؤال کردن و مسائل را از زاویه‌های مختلف موردبررسی قرار دادن)، تفکر خلاق (مسائل را با نگاه متفاوت و روش جدید و نو بررسی کردن) و تفکر نوآورانه در جهت رشد فکری و رفتاری خود آشنا شوند. در کلاس و مدرسه باید محیط یادگیری ذهنی ایجاد شود و تفکر خلاق، خلاقیت، ایده‌پردازی و نوآوری دانش‌آموزان از سوی همکلاسی‌ها، معلمان و مسئولان مدرسه مورد تشویق قرار گیرد.

در چنین محیطی علاقه و انگیزه دانش‌آموزان برانگیخته می‌شود که این موضوع به تفکر خلاقانه و ایده‌های نوآورانه می‌انجامد. در این صورت آنان یاد می‌گیرند که در جمع قرار گیرند و بدون ترس از انتقاد یا سرزنش از سوی دیگران، آزادانه تفکر و نقد و بررسی کنند و ایده‌های خلاقانه خود را بیان دارند. همچنین آنان از اشتباه و خطا کردن در جهت رسیدن به بلوغ فکری و خلاقیت استفاده می‌کنند. دانش‌آموزان باید بتوانند با محتوا ارتباط مناسب برقرار کنند و این زمانی میسر می‌شود که محتوا متناسب با نیاز واقعی آنان، جامعه و مهارت‌های موردنیاز زندگی تدوین شود. در این صورت آنان به افرادی چندبعدی که توانایی‌ها و مهارت‌های مختلف دارند، تبدیل می‌شوند و می‌توانند در مسیر زندگی حرفه‌ای قرار گیرند. درنهایت آنان در مسیر تحصیلی و شغلی می‌توانند ابتدا برای خود و سپس برای دیگران ارزش خلق کنند.

ب. خلق ارزش جدید: «مدرسه باید به دنبال ایجاد خلق ارزش باشد. یعنی نتایج کارها باید به خلق ارزش در مدرسه و جامعه منتهی شوند. مثلاً هدف از برگزاری مسابقه باید هم یادگیری مهارت توسط دانش‌آموزان باشد و هم حداقل قسمتی از مشکلات خود مدرسه یا محیط پیرامون آن حل شود». دانش‌آموزان به واسطه آموزش‌های کارآفرینانه یاد می‌گیرند که با شناسایی استعدادها، توانایی‌ها و علاقه‌های خود، بتوانند در هر شغل و حرفه، روش‌ها و سبک‌های جدید ایجاد کنند و نوآوری داشته باشند. آنان به‌واسطه انجام آموزش‌های کاربردی و عملی در کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها می‌توانند به شناسایی نقاط قوت و ضعف و مشکلات و فرصت‌ها در رشته تحصیلی خود و محیط اطراف بپردازند و در پی خلق فرصت‌های جدید خواهند بود. به‌عبارت‌دیگر دانش‌آموزانی تربیت می‌شوند که بتوانند ارزش اقتصادی (تولید محصول یا خدمت جدید، خلق ثروت و اشتغال)، ارزش اجتماعی (خدمت کردن به دیگران، رفع معضلات و بزه‌های

اجتماعی) و ارزش فرهنگی (تأکید و ترویج ارزش‌ها و باورها، هویت، رسوم) در مدرسه و جامعه ایجاد کنند. اگر کارآفرینی هسته اصلی مدرسه در نظر گرفته شود، تغییر که مفهومی جدید است، در شیوه‌های آموزشی، روش‌های تدریس، معلمان، کارکنان و... ایجاد می‌شود و این به خلق ارزش می‌انجامد. (موسلی^{۲۹}، ۲۰۱۹).

ج. پرورش دانش آموز توانمند-بامهارت: «ما باید دانش‌آموزانی تربیت کنیم که بتوانند در آینده فرصت شغلی به وجود آورند، نه اینکه منتظر استخدام و شغل آماده از قبل باشد. دانش‌آموزان باید بتوانند از دانشی که یاد گرفته‌اند به اشتغال برسند و کارآفرین شوند». این عقیده بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بود. دانش‌آموزان با آموزش‌های کارآفرینانه، نه تنها به مهارت‌هایی از قبیل مهارت تصمیم‌گیری، حل مسئله، هدف‌گذاری، تفکر انتقادی، تفکر خلاق و غیره مجهز می‌شوند، آن‌ها بلکه مهارت‌ها و توانمندی‌های علمی، کاربردی و تقاضامحور را نیز فرامی‌گیرند. در نتیجه می‌توانند و می‌دانند چگونه فکر خلاق و ایده‌پرداز خود را کاربردی کنند و محصولات و خدمات خلاقانه و نوآورانه در جامعه عرضه کنند. در نهایت مبتنی بر این مهارت‌ها می‌توانند برای خود و سپس دیگر افراد جامعه ارزش خلق کنند و دنیای بهتری برای خود و دیگران پدیدآورند. افراد توانمند و بامهارت با مجهز شدن به هوشیاری و آگاهی کارآفرینانه، فرصتی در جهت ال‌زایی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خلق می‌کنند. به عبارت دیگر، با تفاوت و نو به بررسی مسائل، مشکلات، نیازها و فرصت‌های محیط اطراف می‌پردازند. در جهت خلق ارزش استفاده می‌کنند.

■ نتیجه‌گیری ■

پژوهش حاضر الگویی برای آموزش کارآفرینانه در مدارس ارائه داده است. بر مبنای اطلاعات حاصل از تحقیق با استفاده از راهبرد نظریه بر خاسته از داده‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های آموزش کارآفرینانه در مدارس با تحلیل دقیق و منسجم شناسایی و در پایان الگوی جامع آموزش کارآفرینانه در مدارس طراحی شد. آموزش کارآفرینانه ایجاد ترکیبی از یادگیری تجربی، توسعه مهارت‌ها و مهم‌تر از همه، تغییر در شیوه تفکر افراد را امکان‌پذیر می‌سازد (میکچ، ساتا و هوویتنوج^{۳۰}، ۲۰۱۹). بر این اساس آموزش کارآفرینانه عبارت است از: «الگوی جدید آموزشی مبتنی بر انگیزه که در آن دانش‌آموز محور کلیدی آموزش است و همه دانش‌آموزان باید روی توانایی‌ها^{۳۱} و تمایلاتشان^{۳۲} کار کنند تا بتوانند

ارزشی برای خود و سپس سایر افراد جامعه ایجاد کنند (خلق ارزش جدید). هدف اصلی این الگوی آموزشی تربیت دانش‌آموزان خلاق و انعطاف‌پذیر، نوآور، فرصت‌گرا، فعال، پیشگام و حساس نسبت به تغییر محیط پیرامون و چندبعدی است.»



نمودار ۲. الگوی آموزش کارآفرینانه در مدارس

پس از طبقه‌بندی و سازمان‌دهی داده‌ها، انجام مقایسه‌های مداوم و رفت‌وبرگشت‌های متوالی میان جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و همچنین بهره‌گیری از ادبیات پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های آموزش کارآفرینانه شناسایی شدند. نگرش کارآفرینانه معلم، مسئولان، تصمیم‌گیرندگان مدرسه و والدین به‌عنوان «عوامل علی»؛

جو کارآفرینانه، محیط بازی‌گونه، و فضاهای جذاب آموزشی به‌عنوان «عوامل زمینه‌ای» و آموزش کارآفرینانه در مدارس و هوشیاری کارآفرینانه، برنامه‌ریزی آموزشی و کارآفرینانه به‌عنوان «شرایط محیطی آموزش کارآفرینانه» در مدارس ارائه شد. آموزش مبتنی بر خلق ارزش که مقوله محوری و اصلی در آموزش کارآفرینانه در مدارس است، بر راهبردها و اقدامات «آموزش به همراه انجام»، تکالیف کارآفرینانه، تیم‌های کارآفرینانه، شوق کارآفرینانه، یادگیری کارآفرینانه، تعامل با دنیای واقعی، ارزشیابی انعطاف‌پذیر و چندجانبه و تأکید بر شناخت و فراشناخت استوار است. درنهایت خلق ارزش جدید، تربیت دانش‌آموز خلاق، نوآور و چندبعدی و پرورش دانش‌آموز توانمند دارای مهارت، به‌عنوان پیامدها و نتایج آموزش کارآفرینانه در مدارس شناسایی شدند.

محدودیت‌ها و پیشنهادهای پژوهشی

درنهایت، با توجه به جدیدبودن موضوع مورد مطالعه، نتایج این پژوهش خالی از نقصان نیست و انجام پژوهش‌های دیگر برای افزایش اعتبار نتایج حاصل از این پژوهش توصیه می‌شود. بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی در آینده حول محورهای زیر انجام گیرند:

۱. طراحی و سنجش مدل یادگیری کارآفرینانه در مدارس؛
۲. شناسایی و سنجش سازه‌های خلق ارزش در الگوی آموزش کارآفرینانه؛
۳. ارائه الگوی عملیاتی آموزش مبتنی بر خلق ارزش،
۴. بررسی اجزا و ابعاد آموزش کارآفرینانه در مدارس با رویکرد آمیخته.

منابع

- طغرائی، محمدتقی؛ میرواحدی، سیدسعید؛ هاشمی، سمیه و محمدی، رحیم. (۱۳۹۷). بسوی الگوی عملیاتی مدرسه کارآفرین. نخستین کنفرانس ملی مدرسه کارآفرین (رویکردها، نظریه‌ها، ابعاد و تجارت کاربردی از کشورهای موفق)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) - انجمن مدیریت آموزشی ایران شعبه استان اصفهان، تیرماه ۱۳۹۷.
- Bager, T. (2011). Entrepreneurship Education And New Venture Creation: a Comprehensive Approach. In: Hindle, K. & Klyver, K. (Eds.) *Handbook of Research on New Venture Creation*. Cheltenham, England Edward Elgar.
- Binks, M., Starkey, K., & Mahon, C. L. (2006). Entrepreneurship Education and the Business School. *Technology Analysis & Strategic Management*, 18(1), 1-18.
- Bruyat, C. & Julien, P.-A. (2001). Defining The Field of Research In Entrepreneurship. *Journal of Business Venturing*, 16, 165-180
- Cantor, N. & Sanderson, C. (2003). 12 - Life Task Participation And Well-Being: The Importance of Taking Part In Daily Life. In: Kahneman, D., Diener, E. & Schwarz, N. (Eds.) *Well-Being: The Foundations of Hedonic Psychology*. New York, NY: Russell Sage Foundation.
- Charmaz, K. (2006). *Constructing Grounded Theory: A Practical Guide Through Qualitative Analysis*, Sage Publication, Los Angeles, London, New Delhi.
- Drnovsek, M., Cardon, M. S. & Murnieks, C. Y. (2009). Collective Passion in Entrepreneurial Teams. in: Carsrud, A. L. & Brännback, M. (Eds.) *Understanding The Entrepreneurial Mind*.
- Elert, N., Andersson, F. W., & Wennberg, K. (2015). The Impact of Entrepreneurship Education in High School on Long-Term Entrepreneurial Performance. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 111, 209-223.
- Falk-Lundqvist, Å., Hallberg, P.-G., Leffler, E. & Svedberg, G. (2011). *Entreprenöriell Pedagogik I Skolan: Drivkrafter För Elevers Lärande*, Stockholm, Liber.
- Fayolle, A. & Gailly, B. (2008). From Craft To Science - Teaching Models And Learning Processes In Entrepreneurship Education. *Journal of European Industrial Training*, 32, 569-593.
- GEM. (2014). *Global Entrepreneurship Monitor 2014 Global Report*. GEM: London.
- Heder, E., Ljubic, M. & Nola, L. (2011). *Entrepreneurial Learning - A Key Competence Approach*. Zagreb, Croatia: South East European Centre for Entrepreneurial Learning.
- Huq, A., & Gilbert, D. (2017). All the world's a stage: transforming entrepreneurship education through design thinking. *Education+ Training*, 59(2), 155-170.
- Johansen, V., & Schanke, T. (2013). Entrepreneurship Education in Secondary Education and Training. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 57(4), 357-368.
- Lackéus, M. (2013). *Developing Entrepreneurial Competencies -an Action-Based Approach and Classification in Education*. Licentiate Thesis, Chalmers University of Technology.
- Lackéus, M. (2015). Entrepreneurship in education-What, why, when, how. Entrepreneurship360 Background paper, OECD, France.
- Lackéus, M., Lundqvist, M., & Williams Middleton, K. (2013). How can entrepreneurship bridge between traditional and progressive education?. In ECSB Entrepreneurship Education Conference; Århus, Denmark; May 29-31.
- Lackéus, M. (2017). Does entrepreneurial education trigger more or less neoliberalism in education? *Education+Training*, 59(6), 635-650.
- Leffler, E. & Falk-Lundqvist, Å. (2013). What About Students' Right to the "Right" Education? an Entrepreneurial Attitude to Teaching and Learning. *International Perspectives on Education and Society*, 23, 191-208.

- Luca, M. R., & Cazan, A. M. (2011). Involvement in Entrepreneurial Training and Personality. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 1251-1256.
- Mikić, M., Sopta, M., & Horvatinović, T. (2019). The Role of Entrepreneurial Education in the Development of Entrepreneurship. *Emc Review-Časopis Za Ekonomiju*, 16(2).
- Moberg, K., Stenberg, E., & Vestergaard, L. (2012). Impact of entrepreneurship education in Denmark-2012. Odense, Denmark: The Danish Foundation for Entrepreneurship-Young Enterprise.
- Morselli, D. (2019). Conclusions: Towards Entrepreneurial Education through the Change Laboratory. In *The Change Laboratory for Teacher Training in Entrepreneurship Education* (pp. 125-138). Springer, Cham.
- OECD (2016). *The Entrepreneurial School Part 2* [Http://Www.Oecd.Org/Cfe/Leed/Skills-For-Entrepreneurship.Htm](http://www.oecd.org/cfe/leed/skills-for-entrepreneurship.htm).
- Okudan, G. E., & Rzasa, S. E. (2006). A Project-Based Approach to Entrepreneurial Leadership Education. *Technovation*, 26(2), 195-210.
- Rizza, C., & Varum, C. A. (2011). Directions In Entrepreneurship Education in Europe
- Safin, R. S., Shaidullina, A. R., Alikhanova, R. A., Muskhanova, I.V., Yusupkhadzhiyeva, T. V., Dzhambalkhanova, L. A., Mezhidova, F. V., Nigmatzyanova, V. M., & Akhmetov, L. G., (2016). Innovative Entrepreneurship in Education: A New Look in the Students Training Content and Existing Problems. *International Review of Management and Marketing* 6 (S2).
- Seikkula-Leino, J., Ruskovaara, E., Ikavalko, M., Mattila, J. & Rytkola, T. (2010). Promoting Entrepreneurship Education: The Role of the Teacher? *Education+ Training*, 52, 117-127.
- Shane S. and Venkataraman S. (2001), Entrepreneurship as a field of research, *Academy of Management Review*, 26(1), 13-16.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of Qualitative Research: Procedures and Techniques for Developing Grounded Theory.
- Wang, C.K. and Wong, P.K. (2004). Entrepreneurial interest of university students in Singapore, *Technovation*, 24(2), 163-72.

پی‌نوشت‌ها

1. Luca & Cazan, 2011
2. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD), 2016
3. Rizza & Varum, 2011
4. David Clarence McClelland
5. Lackeus
6. Wang & Wong
7. Okudan & Rzasa
8. Lackéus, M., Lundqvist, M. & Williams Middleton,
9. Global Entrepreneurship Monitor (GEM)
10. Bager
11. Heder, Ljubic & Nola
12. Leffler & Falk-Lundqvist
13. Seikkula-Leino, Ruskovaara, Ikavalko, Mattila & Rytkola
14. Fayolle & Gailly
15. Safin et al
16. Huq & Gilbert
17. Johansen & Schanke
18. Elert, Andersson & Wennberg
19. Binks, Starkey & Mahon
20. Strauss & Corbin
21. Charmaz
22. Bruyat & Julien
23. Moberg, Stenberg & Vestergaard
24. Venkataraman & Shane
25. Drnovsek, Cardon, & Murnieks
26. Falk-Lundqvist, Hallberg, Leffler & Svedberg
27. Learning by doing approach
28. Cantor & Sanderson
29. Morselli
30. Mikić, Sopta & Horvatinović
31. Abilities
32. Desires

Designing the entrepreneurial education model

Mohammadtaghi Toghrāyi (PhD), Ārt University of Isfahān¹

Seyyed Saeed Mirvāhedī (PhD), Allāme Tabātabāyi University, Tehrān, Irān²

Somayye Hāshemi, MA in Cultural Entrepreneurship at Ārt University of Isfahān³

Abstract

Nowadays, in almost all of the developed and developing countries at all educational levels, the education and promotion of the entrepreneurship have a special place, so that innovation at the different dimensions of the education system underlies the education of a creative and multidimensional generation. The main purpose of the present study was designing the entrepreneurial education model at schools. It was an applied research with grounded theory design. The research population included all educational authorities and experts, educational management and planning, psychology and sociology experts, as well as the entrepreneurial education authorities. Using the theoretical sampling method, research findings reached the theoretical saturation, after conducting 30 in-depth interviews. The results showed that the value creation - based education is the main and key dimension of the entrepreneurial education which is influenced by the triggering factors of the entrepreneurial attitude of the parents, schools' authorities and decision makers and teachers. The most important contextual factors including the entrepreneurial atmosphere, designing the playful environment, designing the attractive spaces of school along with the environmental conditions such as entrepreneurial consciousness, educational planning and entrepreneurial awareness help to implement and adopt strategies and actions including training along with performance, entrepreneurial learning, entrepreneurial assignments, entrepreneurial teams, entrepreneurial curiosity, the school interaction with the real-world, flexible and multilateral evaluation, and emphasis on cognition and metacognition. Finally, creating the new values, educating the creative, innovative and multi-dimensional student and empowered-skillful student could be the main consequence and output of the entrepreneurial education at school, during which the students deal with creating value for themselves and their society, while being on the correct educational and career path.

Keywords

Entrepreneurship Education, Entrepreneurial Education, Value Creation, Grounded Theory

1. m.toghrayee@aui.ac.ir

2. mirvahedi@atu.ac.ir

3. somayeh.hashemi00@gmail.com